



۱۳۸۷ / ۷ / ۱۱

۹۱۷۴۷

۸۷/۱/۱۰۵۲۳۶  
۸۷/۱/۱۹



دانشگاه مازندران  
دانشکده علوم انسانی و اجتماعی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی

موضوع:

داستان پیامبران در قصاید خاقانی

استاد راهنما:

دکتر مرتضی محسنی

استاد مشاور:

دکتر احمد غنی پور ملکشاه

نگارنده:

هاجر مرادی سیاهکلانی

اردیبهشت ماه ۸۷

۹۸۷۴۷

کتابخانه مرکزی  
دانشگاه مازندران

۸۷/۱/۱۱



دانشگاه مازندران  
دانشکده علوم انسانی و اجتماعی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی

موضوع:

داستان پیامبران در قصاید خاقانی

استاد راهنما:

دکتر مرتضی محسنی

استاد مشاور:

دکتر احمد غنی پور ملکشاه

اساتید داور:

دکتر غلامرضا پیروز - دکتر مسعود روحانی

نگارنده:

هاجر مرادی سیاهکلائی

اردیبهشت ماه ۸۷

## تقدیر:

من لم یشکر المخلوق، لم یشکر الخالق

راقم این سطور، نگارش این پایان‌نامه را بعد از فضل پروردگار، مدیون:  
جناب آقای دکتر «مرتضی محسنی» که با نکته‌سنجی‌ها و بینش دقیق علمی خود  
راهنمایی این رساله را برعهده داشتند؛

جناب آقای دکتر «احمد غنی پور ملک‌شاه» که امر مشاوره را پذیرا شدند؛  
استادان محترم دانشکده، جناب آقایان: دکتر «علی اکبر باقری»، دکتر «غلامرضا پیروز»،  
دکتر «حسین حسن پور»، دکتر «مسعود روحانی»، دکتر «سیاوش حق جو»، دکتر «رضا  
ستاری»، دکتر «مصطفی کمال‌جو»، دکتر «حمیدرضا مشایخی»، سرکار خانم دکتر «قدسیه  
رضوانیان» و همه‌ی کسانی که در این سال‌ها همواره با الطاف و همراهی خویش راه را برای  
پیشرفت این جانب هموار کرده‌اند؛  
و به‌ویژه خانواده‌ی مهربانم می‌داند و بدین‌وسیله از همه‌ی عزیزان صمیمانه تشکر و  
قدردانی می‌کند.

هاجر مرادی

بابلسر - اردیبهشت ۱۳۸۷

تقدیم به:

به پدر ارجمند

و

مادر مهربانم

که وجود پر مهرشان مایه‌ی امید، دل گرمی و آرامش  
است.

## چکیده:

یکی از شیوه‌های ارزش‌سنجی شعر شاعران، بررسی افکار و تأمل در اندیشه‌ی آنان است. منشأ و منبع الهام شاعران بسیار متنوع و گسترده است؛ این منابع می‌تواند اسطوره، تاریخ، فرهنگ، قصص، حوادث سیاسی و اجتماعی، حماسه و... باشد. زندگی و سرگذشت پیامبران از غنی‌ترین منابع الهام شاعران است که آنان می‌توانند گاه در مضمون‌سازی از آن بهره‌گیرند و گاه لباس هنری بر آن بپوشانند. یکی از جلوه‌های هنرمندانه و شاعرانه‌ی بهره‌گیری از داستان پیامبران، در قالب تلمیح رخ می‌نماید.

آنچه در این پایان‌نامه به آن پرداخته می‌شود، بررسی تلمیح به داستان پیامبران در قصاید خاقانی است. خاقانی در قصاید خود از هفده پیامبر یاد کرده که بیش‌ترین اشاره به حضرت محمد(ص) و حضرت عیسی(ع)، و کم‌ترین اشاره مربوط به شیث نبی(ع) و زکریای پیامبر(ع) و حضرت صالح(ع) است. زمینه و محتوای قصایدی که شاعر در تلمیح به داستان پیامبران از آن‌ها استفاده کرده، گوناگون است؛ از جمله: مدح ممدوحان، حکمت و موعظه، توصیف، نعت پیامبر(ص)، مدح خود و ستایش هنر شعر و شاعری و نکوهش حاسدان و رقیبان، شکایت از روزگار، سوگ عزیزان و ستایش پروردگار. وی برای طرح هنرمندانه‌ی اشعارش از شیوه‌های بلاغی و آرایه‌های بدیعی گونه‌گونی بهره‌برده است که از میان شیوه‌های بیانی، تشبیه و مجاز، و از میان آرایه‌های بدیعی، اغراق و حسن تعلیل بیش‌ترین و کم‌ترین بسامد را به خود اختصاص داده است.

خاقانی اغلب از تلمیح پیامبران در مقام شباهت‌سازی و سنجش رفتار و کارکرد افراد با زندگی انبیا استفاده کرده است.

واژه‌های کلیدی: خاقانی، قصاید، داستان پیامبران، تلمیح، شیوه‌های بیانی، آرایه‌های بدیعی.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	فصل اول: مقدمه .....
۲.....	۱- تعریف مسأله.....
۴.....	۲- پیشینه‌ی پژوهش .....
۵.....	۳- پرسش‌های پژوهش .....
۶.....	۴- اهداف پژوهش .....
۶.....	۵- روش و مراحل انجام کار .....
۷.....	فصل دوم: کلیات .....
۸.....	۱-۲- درآمد .....
۸.....	۲-۲- عناصر تشکیل دهنده‌ی شعر .....
۱۰.....	۲-۳- تلمیح .....
۱۲.....	۲-۴- سیر اشارات و تلمیحات در ادبیات فارسی .....
۱۵.....	۲-۵- ویژگی‌های داستان پیامبران .....
۱۷.....	۲-۶- چگونگی بهره‌گیری شاعران از داستان پیامبران تا قرن ششم .....
۱۹.....	۲-۷- چگونگی بهره‌گیری از داستان پیامبران در قصاید خاقانی .....
۲۶.....	فصل سوم: خاقانی .....
۲۷.....	۳-۱- زندگی و آثار خاقانی .....
۲۸.....	۳-۲- اختصاصات شعر قرن ششم ، عصر سلجوقی .....
۳۰.....	۳-۳- ویژگی‌های شعر خاقانی .....
۳۶.....	فصل چهارم: خاقانی و داستان پیامبران .....
۳۸.....	۴-۱- آدم(ع) .....
۴۱.....	۴-۱-۱- چهل صباح سرشتن آدم(ع) .....
۴۲.....	۴-۱-۲- خلافت آدم(ع) .....
۴۳.....	۴-۱-۳- آفرینش آدم(ع) از گل .....
۴۵.....	۴-۱-۴- دمیدن روح در کالبد آدم(ع) .....
۴۵.....	۴-۱-۵- عطسه‌ی آدم(ع) .....

- ۴۶..... ۶-۱-۴- تعلیم اسما و اسرار الهی به آدم(ع)
- ۴۷..... ۷-۱-۴- آدم(ع) و ابلیس
- ۵۰..... ۸-۱-۴- آدم(ع) و حوا
- ۵۲..... ۹-۱-۴- عصیان و هبوط آدم(ع)
- ۵۶..... ۱۰-۱-۴- زراعت آدم(ع)
- ۵۷..... ۱۱-۱-۴- آدم(ع) و قوم یاجوج
- ۵۸..... ۱۲-۱-۴- نتیجه گیری
- ۶۰..... ۲-۴- ابراهیم(ع)
- ۶۳..... ۱-۲-۴- ابراهیم(ع) و مکیدن شیر از انگشت در غار
- ۶۴..... ۲-۲-۴- ابراهیم(ع) و آزر
- ۶۵..... ۳-۲-۴- ابراهیم(ع) و ستارگان
- ۶۷..... ۴-۲-۴- بت شکنی ابراهیم(ع)
- ۶۷..... ۵-۲-۴- ابراهیم(ع) و آتش
- ۷۰..... ۶-۲-۴- پرواز نمرود به آسمان
- ۷۳..... ۷-۲-۴- ابراهیم(ع) و زنده کردن مرغان
- ۷۳..... ۸-۲-۴- ابراهیم(ع) و مهمان داری
- ۷۴..... ۹-۲-۴- ابراهیم(ع) و قربان کردن اسماعیل(ع)
- ۷۶..... ۱۰-۲-۴- ابراهیم(ع) و بنای کعبه
- ۷۸..... ۱۱-۲-۴- ابراهیم(ع) و زردشت
- ۸۰..... ۱۲-۲-۴- نتیجه گیری
- ۸۱..... ۳-۴- ادريس(ع)
- ۸۱..... ۱-۳-۴- ادريس(ع) و علم او
- ۸۳..... ۲-۳-۴- ادريس(ع) و پیوند او با بهشت
- ۸۶..... ۳-۳-۴- نتیجه گیری
- ۸۷..... ۴-۴- داود(ع)
- ۸۸..... ۱-۴-۴- داود(ع)، خلیفه الهی
- ۸۸..... ۲-۴-۴- داود(ع) و آواز خوش



- ۹۰..... ۳-۴-۴- داود(ع) و نرم کردن آهن و زره گیری
- ۹۱..... ۴-۴-۴- داود(ع) و ناله‌ی او
- ۹۳..... ۵-۴-۴- نتیجه گیری
- ۹۴..... ۵-۴- زکریا(ع)
- ۹۵..... ۱-۵-۴- کشته شدن زکریا(ع)
- ۹۵..... ۲-۵-۴- نتیجه گیری
- ۹۶..... ۶-۴- سلیمان(ع)
- ۹۷..... ۱-۶-۴- ملک سلیمان(ع)
- ۹۹..... ۲-۶-۴- سلیمان(ع) و انگشتری
- ۱۰۲..... ۱-۲-۶-۴- انگشتری و دیو
- ۱۰۴..... ۲-۲-۶-۴- ماهی و ماهی فروشی سلیمان(ع)
- ۱۰۶..... ۳-۶-۴- سلیمان(ع) و مور
- ۱۰۹..... ۴-۶-۴- سلیمان(ع) و منطق الطیر
- ۱۱۰..... ۵-۶-۴- سلیمان(ع) و سیمزغ
- ۱۱۳..... ۶-۶-۴- سلیمان(ع) و هدهد
- ۱۱۵..... ۷-۶-۴- سلیمان(ع) و بلقیس
- ۱۱۸..... ۸-۶-۴- سلیمان(ع) و تسخیر باد
- ۱۱۹..... ۹-۶-۴- سلیمان(ع) و بازگشت خورشید
- ۱۲۰..... ۱۰-۶-۴- سلیمان(ع) و آصف برخیا
- ۱۲۱..... ۱۱-۶-۴- سلیمان(ع) و دیو و پری و جن
- ۱۲۳..... ۱۲-۶-۴- نتیجه گیری
- ۱۲۵..... ۷-۴- شیث(ع)
- ۱۲۶..... ۱-۷-۴- نتیجه گیری
- ۱۲۷..... ۸-۴- صالح(ع)
- ۱۲۷..... ۱-۸-۴- ناقه‌ی صالح(ع)
- ۱۲۹..... ۲-۸-۴- نتیجه گیری
- ۱۳۰..... ۹-۴- عیسی(ع)

- ۱۳۳..... ۱-۹-۴- بکری مریم و نفع روح
- ۱۳۶..... ۲-۹-۴- مریم و خرمابن
- ۱۳۸..... ۳-۹-۴- صوم مریم و نطق عیسی (ع)
- ۱۴۱..... ۴-۹-۴- دم عیسی (ع)
- ۱۴۷..... ۱-۴-۹-۴- عیسی (ع) و عازر
- ۱۴۸..... ۲-۴-۹-۴- مرغ عیسی (ع)
- ۱۵۰..... ۳-۴-۹-۴- عیسی (ع) و بینا کردن اکمه
- ۱۵۱..... ۵-۹-۴- بررفتن عیسی (ع) به آسمان
- ۱۵۴..... ۱-۵-۹-۴- عیسی (ع) و خورشید
- ۱۵۹..... ۶-۹-۴- عیسی (ع) و یهودیان
- ۱۶۰..... ۷-۹-۴- عیسی (ع) و حواریون
- ۱۶۲..... ۸-۹-۴- خوان عیسی (ع)
- ۱۶۴..... ۹-۹-۴- رنگرزی عیسی (ع)
- ۱۶۵..... ۱۰-۹-۴- خر عیسی (ع)
- ۱۶۷..... ۱۱-۹-۴- سوزن عیسی (ع) و رشته‌ی مریم
- ۱۶۹..... ۱۲-۹-۴- عیسی (ع) و دجال
- ۱۷۱..... ۱۳-۹-۴- عیسی (ع) و یهودا
- ۱۷۲..... ۱۴-۹-۴- عیسی (ع) و آدم (ع)
- ۱۷۴..... ۱۵-۹-۴- عیسی (ع) و دار
- ۱۷۷..... ۱۶-۹-۴- مسیح یک‌شبه
- ۱۷۷..... ۱۷-۹-۴- مریم و یوسف نجار
- ۱۷۸..... ۱۸-۹-۴- تولد عیسی (ع)
- ۱۷۹..... ۱۹-۹-۴- خاقانی و مسیحیت
- ۱۸۱..... ۲۰-۹-۴- نتیجه‌گیری
- ۱۸۳..... ۱۰-۴- محمد (ص)
- ۱۸۵..... ۱-۱۰-۴- نعت پیامبر
- ۱۹۱..... ۲-۱۰-۴- اشعاری در مدح یا مرثیه که به نام محمد (ص) اشاره شده.

- ۱۹۲.....۴-۱۰-۲-۱- اشعاری که در مدح ممدوحان سروده شده.....
- ۱۹۴.....۴-۱۰-۲-۲- اشعاری که در مرثیه عزیزان سروده شده.....
- ۱۹۵.....۴-۱۰-۲-۳- اشعاری که در مباحثات خود و نکوهش حسّاد.....
- ۱۹۶.....۴-۱۰-۳- ولادت محمّد(ص).....
- ۱۹۷.....۴-۱۰-۴- وفات محمّد(ص).....
- ۱۹۸.....۴-۱۰-۵- محمّد(ص) و یتیمی او.....
- ۱۹۸.....۴-۱۰-۶- محمّد(ص) و اُمّی بودن او.....
- ۱۹۹.....۴-۱۰-۷- محمّد(ص) و نامه به پادشاهان.....
- ۲۰۰.....۴-۱۰-۸- محمّد(ص) و پرده‌داری عنکبوت و کبوتر.....
- ۲۰۱.....۴-۱۰-۹- محمّد(ص) و معراج.....
- ۲۰۵.....۴-۱۰-۱-۱- محمّد(ص) و قاب قوسین.....
- ۲۰۷.....۴-۱۰-۲- محمّد(ص) و جبرئیل در عرش.....
- ۲۰۸.....۴-۱۰-۳- محمّد(ص) و براق.....
- ۲۰۹.....۴-۱۰-۱۱- محمّد(ص) بت شکن.....
- ۲۱۰.....۴-۱۰-۱۲- جنگ‌های محمّد(ص).....
- ۲۱۲.....۴-۱۰-۱۳- محمّد(ص) و بحیرا.....
- ۲۱۳.....۴-۱۰-۱۴- محمّد(ص) و مُهر نبوّت.....
- ۲۱۵.....۴-۱۰-۱۵- معجزات محمّد(ص).....
- ۲۱۵.....۴-۱۰-۱۵-۱- محمّد(ص) و شقّ القمر.....
- ۲۱۶.....۴-۱۰-۱۵-۲- محمّد(ص) و گواهی سنگ‌ریزه.....
- ۲۱۷.....۴-۱۰-۱۶- سایه‌نداشتن محمّد(ص).....
- ۲۱۷.....۴-۱۰-۱۷- محمّد(ص) و رویش گل سرخ.....
- ۲۱۸.....۴-۱۰-۱۸- محمّد(ص) و خلق نیکو.....
- ۲۱۸.....۴-۱۰-۱۹- گیسوی محمّد(ص).....
- ۲۱۹.....۴-۱۰-۲۰- نور محمّدی، عقل اوّل.....
- ۲۲۵.....۴-۱۰-۲۱- محمّد(ص) و تاج لعمرک.....
- ۲۲۶.....۴-۱۰-۲۲- محمّد(ص)، خاتم‌الانبیاء.....

- ۲۲۸..... ۱۰-۲۳-۴ محمد(ص)، رحمت للعالمین
- ۲۲۹..... ۱۰-۲۴-۴ فقر محمدی
- ۲۳۱..... ۱۰-۲۵-۴ محمد(ص) و شفاعت امت
- ۲۳۲..... ۱۰-۲۶-۴ محمد(ص) و زهر بزغاله
- ۲۳۳..... ۱۰-۲۷-۴ محمد(ص) و دشمنانش
- ۲۳۵..... ۱۰-۲۸-۴ محمد(ص) و چهاریار
- ۲۳۶..... ۱۰-۲۹-۴ زنان محمد(ص)
- ۲۳۸..... ۱۰-۳۰-۴ محمد(ص) و زید
- ۲۳۸..... ۱۰-۳۱-۴ محمد(ص) و حستان
- ۲۴۰..... ۱۰-۳۲-۴ اسما و القاب محمد(ص) در قصاید خاقانی
- ۲۴۲..... ۱۰-۳۳-۴ نتیجه گیری
- ۲۴۴..... ۱۱-۴ موسی(ع)
- ۲۴۷..... ۱۱-۴-۱ تابوت موسی(ع)
- ۲۴۸..... ۱۱-۴-۲ شبانی موسی(ع)
- ۲۵۰..... ۱۱-۴-۳ به پیامبری رسیدن موسی(ع)
- ۲۵۴..... ۱۱-۴-۴ عصای موسی(ع)
- ۲۵۶..... ۱۱-۴-۵ موسی(ع) و یدیضا
- ۲۵۹..... ۱۱-۴-۶ موسی(ع) و شکافتن دریا
- ۲۶۰..... ۱۱-۴-۷ موسی(ع) و تجلی نور حق بر طور سینا
- ۲۶۲..... ۱۱-۴-۸ موسی(ع) و سامری
- ۲۶۵..... ۱۱-۴-۹ موسی(ع) و بلعم باعور
- ۲۶۶..... ۱۱-۴-۱۰ موسی(ع) و تیه
- ۲۶۶..... ۱۱-۴-۱۱ موسی(ع) و دوازده چشمه
- ۲۶۷..... ۱۱-۴-۱۲ موسی(ع) و من و سلوی
- ۲۶۸..... ۱۱-۴-۱۳ موسی(ع) و سخن
- ۲۶۹..... ۱۱-۴-۱۴ موسی(ع) و هارون
- ۲۷۱..... ۱۱-۴-۱۵ موسی(ع) و فرعون

- ۲۷۲..... ۱۱-۱۶-۴- موسی (ع) و بلایای نه گانه
- ۲۷۲..... ۱۱-۱۷-۴- موسی (ع) و خضر
- ۲۷۴..... ۱۱-۱۸-۴- نتیجه گیری
- ۲۷۵..... ۴-۱۲- (ع) نوح
- ۲۷۷..... ۴-۱۲-۱- عمر نوح (ع)
- ۲۷۷..... ۴-۱۲-۲- نوحه گری نوح (ع)
- ۲۷۸..... ۴-۱۲-۳- طوفان نوح (ع)
- ۲۸۰..... ۴-۱۲-۱-۳- طوفان و تنور
- ۲۸۱..... ۴-۱۲-۲-۳- طوفان و کشتی و کوه جودی
- ۲۸۳..... ۴-۱۲-۴- نوح (ع) و کنعان و زن نوح (ع)
- ۲۸۴..... ۴-۱۲-۵- نوح (ع) و حام و سام
- ۲۸۵..... ۴-۱۲-۶- نتیجه گیری
- ۲۸۶..... ۴-۱۳- هود (ع)
- ۲۸۷..... ۴-۱۳-۱- هلاک قوم هود (ع)
- ۲۸۸..... ۴-۱۳-۲- نتیجه گیری
- ۲۸۹..... ۴-۱۴- یحیی (ع)
- ۲۹۱..... ۴-۱۴-۱- تولد یحیی (ع)
- ۲۹۲..... ۴-۱۴-۲- زهد یحیی (ع)
- ۲۹۳..... ۴-۱۴-۳- نتیجه گیری
- ۲۹۴..... ۴-۱۵- یعقوب (ع)
- ۲۹۵..... ۴-۱۵-۱- نابینایی یعقوب (ع)
- ۲۹۷..... ۴-۱۵-۲- نتیجه گیری
- ۲۹۸..... ۴-۱۶- یوسف (ع)
- ۲۹۹..... ۴-۱۶-۱- خواب یوسف (ع)
- ۲۹۹..... ۴-۱۶-۲- حسن یوسف (ع)
- ۳۰۰..... ۴-۱۶-۳- یوسف (ع) در چاه
- ۳۰۳..... ۴-۱۶-۴- یوسف (ع) و گرگ

۳۰۴.....	۴-۱۶-۵- فروختن یوسف (ع)
۳۰۵.....	۴-۱۶-۶- یوسف (ع) و زلیخا
۳۰۷.....	۴-۱۶-۷- یوسف (ع) و زنان مصر
۳۰۹.....	۴-۱۶-۸- یوسف (ع) و زندان
۳۱۰.....	۴-۱۶-۹- یوسف (ع) و علم تعبیر خواب و عزیزی مصر
۳۱۱.....	۴-۱۶-۱۰- یوسف (ع)، قحطی و برادران
۳۱۵.....	۴-۱۶-۱۱- نتیجه گیری
۳۱۶.....	۴-۱۷-۱۷- یونس (ع)
۳۱۷.....	۴-۱۷-۱- یونس (ع) در شکم ماهی
۳۲۰.....	۴-۱۷-۲- نتیجه گیری
۳۲۲.....	فصل پنجم: نتیجه گیری
۳۲۳.....	نتیجه گیری
۳۳۶.....	منابع و مآخذ
۳۴۳.....	چکیده انگلیسی

# فصل اول

مقدمه

## ۱- تعریف مسأله

زبان و ادب پهناور و شیرین فارسی از زمان شکل‌گیری و رونق آن تا به امروز همواره از مایه‌ها و عناصر گوناگونی بهره‌جسته است؛ عناصری که می‌توان گفت بخش عمده‌ای از حلاوت و جذابیت زبان و ادبیات فارسی، وابسته و مدیون آن‌هاست. بهره‌گیری شاعران و نویسندگان از این عناصر به تناسب وسعت اطلاعات آنان از نظر کمی و کیفی در قرون مختلف ادبیات، به خصوص شعر فارسی متغیّر و مختلف بوده است. عناصر و موضوعاتی از قبیل: عرفان، حکمت، نجوم، تاریخ، طبّ و... در ادوار مختلف شعر و ادب فارسی مایه‌هایی بودند و هستند که در زینت دادن و آرایش این قصر رفیع نقش اساسی و عمده برعهده داشته و همواره مورد عنایت گویندگان فارسی‌زبان بوده‌اند. یکی از این موضوعات که به شعر فارسی رونق بخشید، داستان پیامبران و قصص اسلامی بوده است. «قصّه‌های پیامبران، قصّه‌های اوضاع و احوال پیشین هستند. اصیل‌ترین منابع این گونه قصّه‌ها، در درجه‌ی اوّل قرآن مجید و در مرحله‌ی بعد، احادیث و روایات معتبری است که از پیامبر اسلام و ائمه‌ی طاهرین به ما رسیده است.» (اردلان‌جوان، ۱۳۸۱: ۵۴) بسیاری از شاعران بزرگ از جمله خاقانی، در ساختن تصاویر شاعرانه و بیان افکار و اندیشه‌های خویش از این داستان‌ها بهره‌برده‌اند.

اشاره به داستان‌های مشهور و از جمله داستان‌های پیامبران و اساطیر تاریخی که تلمیح نام دارد، مربوط به درون‌مایه است. چنان‌چه تلمیح به داستان پیامبران، توسط شاعر هنرمندانه به کار گرفته شود، جزو صورت شاعرانه محسوب می‌شود که در زیبایی و هنر و قوت تخیل شاعرانه مؤثر است. خاقانی که شاعری متشرّع و قصیده‌سراست، به دین و عرفان بسیار توجه دارد؛ از این‌رو، از این مایه‌های تلمیحی بهره می‌برد. او از این تلمیحات، گاه برای مدح ممدوح و گاه برای بیان و تصویر موضوعی استفاده کرده که رنگ و بوی عرفانی دارد و یادآور نظرگاه‌ها و شیوه‌های برداشت در شعر عرفانی است. «فخر، رجز، معارضه و مجادله‌ی با اقران، شکایت از کج‌روی روزگار، شکوه از عذاب زندان و زندانبان، تهنیت، تعزیت، مرثیت، توصیف، مکاتبه‌های منظوم، معانی غزلی و عشقی، مفاهیم عرفانی، نقاشی مجالس طرب و مخصوصاً صبح و صبحی به تفضیل و تکرار، روی‌هم‌رفته موضوعاتی هستند که بیش‌و کم مورد گفت‌وگوی خاقانی قرار گرفته است و با آن که جز بعضی از این موضوعات مخلوق و آفریده‌ی او نیست، بیان و تعبیر خاصّ و مشخصّ او به این معانی پیر و کهن‌سال خلعتی، چندان تازه و بدیع



می‌پوشد که کهنگی آن را از یاد می‌برد.» (حمیدی، ۱۳۶۶: ۴۶۹) وی در بیان و تصویر این معانی از داستان‌های پیامبران بهره برده است.

در بررسی اشعار شاعران نمی‌توان آن‌ها را پدیده‌ای مجرد از محیط زندگی مورد تحقیق قرار داد؛ بلکه باید به ریشه‌های تاریخی و محیط اجتماعی و فرهنگی و افکار و اندیشه‌های شکل‌گیری آثار توجه کرد. از این رو می‌توان در بررسی صور خیال، یعنی مجازها، تشبیه‌ها، استعارات و کنایه‌ها، نه از دیدگاه ارتباطات، بلکه از دیدگاه عناصر سازنده‌ی آن خیال‌ها بحث کرد. البته در چنین بحثی، می‌توان از نوع ارتباطات و شیوه‌ی برقراری آن‌ها و نقشی که هر کدام دارند و از پیوندی که میان مورد کاربرد با اصل آن وجود دارد، نیز سخن گفت؛ به بیان دیگر، تشبیه یا استعاره یا ... را می‌توان در حوزه‌ی عناصری که آن را تشکیل می‌دهند و این که این عناصر، چه‌مایه از محیط اجتماعی و چه‌مایه از محیط فرهنگی و سیاسی و تاریخی بهره برده‌اند و چه‌مایه از طبیعت و صورت‌های آن متأثر شده‌اند، بررسی کرد.

«شیوه‌های بیانی خاقانی بر پدید آمدن معنی‌های ناآشنا و آفریدن تعبیرات تازه مبتنی است. دقت در توصیف که موجب تشبیه‌های غریب و تعبیرهای بی‌سابقه است، و غور در مناسبات لفظی و معنوی که سبب ابداع معانی نو و صنایع بدیع می‌شود، از مزایای طرز اوست و او حتی در بیان عادی و مشترک، با پدید آوردن تنوع در تعبیر، چندان تصرف می‌کند که آن معانی را چون مضامین اختراعی خویش جلوه می‌دهد، و این نکته‌ها منتهی می‌شود به این که سخن وی، زیاده، مشکل و غریب جلوه می‌کند.» (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۲۰) خاقانی بهترین مثال در شعر مصنوع است. «بسیاری اطلاع و احاطه‌ی خاقانی بر لغات فارسی و عربی و اصطلاحات فلاسفه و اطبا و دقت ادبی او در ترکیب الفاظ، سبب پوشیدگی آرا و افکار ساده‌ی وی شده است؛ چندان که گمان می‌رود مضامین ابیاتش سراسر پیچیده و فکر او از حد طبیعی بیرون است و این خیال اگر هم در قسمتی از ابیات او با واقع مطابقت کند، در بسیاری از ابیات با حقیقت سازگار نیاید. سبب دوری و ناآشنایی به دیوان او از جهت الفاظ و کیفیت تعبیرات اوست که بر اصول علمی و ذوقی متکی است.» (رک: فروزانفر، ۱۳۵۸: ۶۱۷) «تنوع مایه‌های تلمیحی در حوزه‌ی پیامبران، ناشی از وسعت اطلاعات خاقانی در زمینه‌ی قرآن و حدیث و تنوع مضمون‌های شعری و نیروی تخیل وی است.» (پورنامداریان، ۱۳۶۴: ۱۳) «خاقانی از شخصیت‌های اسلامی و سامی بیش‌تر به رسول اکرم (ص)، آدم (ع)، ابراهیم خلیل (ع)، ادریس، خضر، علی (ع)، سلیمان (ع)، مسیح، موسی، مهدی (عج)، نوح، یعقوب و یوسف توجه دارد. از

میان شخصیت‌های سامی، عیسی (مسیح، مسیحا) بیش از هر نام دیگری در شعر خاقانی مطرح است. «(ماهیار، ۱۳۷۶: ۱۳)» او در بهره‌گیری از این مایه‌های تلمیحی از شیوه‌های بیانی و بدیعی و علوم بلاغی استفاده کرده است. او در اتقان کلام و لطافت فکر در قیاس و در تشبیه و ایهام و تجنیس و نکته‌سنجی و امثال آن زبردست است. «(رضازاده شفق، ۱۳۵۲: ۲۱۴) او تنها شاعری است که از اصطلاحات مسیحی، به کمال در شعرش استفاده کرده است. ایهام و تناسب دو صنعت بارزی است که در شعر خاقانی به چشم می‌خورد و این دو صنعت است که حافظ، غزل‌سرای بزرگ، در شعر خود آورده و مایه‌ی هنر خود ساخته است. (رک: سجادی، ۱۳۷۷: ۲۰)» شیوه‌ی بیان خاقانی بر پدیدآوردن معنی‌های ناآشنا و آفریدن تعبیرات تازه مبتنی است. دقت در توصیف که موجب تشبیه‌های غریب و تعبیرهای بی‌سابقه است و غور در مناسبات لفظی و معنوی که سبب ابداع معانی نو و صنایع بدیع می‌شود، از مزایای طرز اوست. «(مینورسکی، ۱۳۴۸: ۱۶۴)

## ۲- پیشینه‌ی پژوهش

تاکنون هیچ پژوهش مستقلی به بررسی داستان پیامبران در قصاید خاقانی نپرداخته است؛ اما برخی از نویسندگان به استفاده‌ی خاقانی از تلمیحات داستانی پیامبران در شعر خود توجه کرده‌اند:

- تقی پورنامداریان در کتاب **داستان پیامبران در کلیات شمس**، به تلمیحات در شعر ذرباری و شعر مذهبی و عرفانی پرداخته و از خاقانی به عنوان شاعری درباری یاد می‌کند که از داستان پیامبران و اساطیر ملی و داستان‌های مشهور مردمی در تصویر مضامین و موضوعات مختلف، با تنوع و وسعت استفاده می‌کند. او به تنوع مایه‌های تلمیحی خاقانی در حوزه‌ی داستان پیامبرانی چون آدم(ع) و موسی(ع) و یوسف(ع) اشاره و نمونه‌هایی از شعر شاعر را ذکر می‌کند. وی معتقد است که گاهی در تلمیح به داستان پیامبران در شعر خاقانی به نمونه‌هایی از برداشت صوفیانه نیز برمی‌خوریم. (رک: پورنامداریان، ۱۳۶۴: ۱۶-۲۵)

- سیروس شمیسا در **فرهنگ تلمیحات و اشارات داستانی**، ضمن تشریح منشأ تاریخی تلمیح و سیر آن در ادبیات فارسی و برشمردن علل استفاده‌ی شاعران از تلمیح، تلمیحات ادبیات فارسی را مجموع ای بسته می‌داند که عناصر مهم داستانی آن در طول زمان چندان تغییر نکرده است؛ اما این دستگاه بسته در حیطه‌ی زبان زایا می‌شود؛ بدین معنی که شاعران، پیوسته در اضافات تلمیحی و اجزای علم با استعمال مترادفات، نوآوری می‌کنند. وی در ذیل نام پیامبران،

گاه پاره‌ای از روایات تفاسیر و مآخذ را به اختصار، به عنوان سند یا توضیح، نقل و شواهدی از شعر شاعرانی چون خاقانی را نقل می‌کند. (شمیسا، ۱۳۷۳: ۷-۳۷)

- عباس ماهیار در کتاب *خارخار بند زندان*، به شرح قصیده‌ی ترساییه پرداخته و معتقد است به علت آن که ممدوح قصیده، مسیحی بوده شاعر کوشیده تا اصطلاحات آیین مسیحیت را به شیوه‌های مختلف یاد کند. بسیاری از این اصطلاحات متأثر از قرآن کریم و تفاسیر و احادیث نبوی است. مؤلف در شرح قصیده، به برخی از داستان‌های مربوط به عیسی (ع) اشاره می‌کند. (ماهیار، ۱۳۷۶: ۱۳-۱۴)

- جلال‌الدین کزازی در کتاب *گزارش دشواری‌های دیوان خاقانی* (۱۳۸۰)، تنها برای روشن‌شدن مفهوم ابیات مشکل، به بعضی از داستان‌ها و روایات در مورد پیامبران اشاراتی می‌کند.

- علی اردلان‌جوان در کتاب *تجلی شاعرانه‌ی اساطیر و روایات تاریخی و مذهبی در اشعار خاقانی*، در بهره‌ی نخست به شیوه‌ی تصویرسازی خاقانی می‌پردازد و او را شاعر خواص می‌نامد و حالت‌های روانی و آرزوهای برآورده‌نشده‌ی او را در ساختن رمزها و نشانه‌های تازه و ارائه‌ی تصاویر جدید بی‌تأثیر نمی‌داند. مؤلف، آن‌گاه به نقد تشبیه‌ها و تمثیل‌ها و استعاره‌ها و کنایه‌ها در اشعار وی می‌پردازد. به اعتقاد وی، تشبیه، بیش‌ترین کاربرد را در اشعار این شاعر دارد. در بهره‌ی چهارم او به روایت‌های مذهبی می‌پردازد. نویسنده ابتدا مختصری درباره‌ی مفهوم قصص و روایات مذهبی بحث می‌کند و در فصل دوم این بهره به تجلی شاعرانه‌ی بعضی از این قصه‌ها و روایات اسلامی در اشعار خاقانی می‌پردازد. (رک: اردلان‌جوان، ۱۳۸۱: ۶-۱۱ و ۱۴۴-۲۷۹)

### ۳- پرسش‌های پژوهش

این پژوهش قصد دارد به پرسش‌های زیر به عنوان محورهای اصلی این پژوهش پاسخ دهد:

- ۱- خاقانی به کدام یک از وقایع زندگی پیامبران در قصاید خود پرداخته است؟
- ۲- کارکرد زیباشناختی و اندیشگی وقایع زندگی پیامبران در قصاید خاقانی چیست؟
- ۳- غالب‌ترین شیوه‌ی کاربردی بدیعی و بیانی در قصاید خاقانی چه بوده است؟

#### ۴- اهداف پژوهش

هدف این پژوهش، بررسی شیوه‌ی پرداخت داستان پیامبران در قصاید خاقانی است، که می‌تواند گامی در راه دستیابی به عقاید و اندیشه‌های مذهبی بزرگان ادب فارسی باشد.

#### ۵- روش پژوهش و مراحل انجام کار

روش به کار گرفته شده در این پژوهش، کیفی و مبتنی بر روش توصیفی و تحلیل محتوا است که با مراجعه به کتابخانه و منابع تحقیق انجام شده است. ابتدا محقق درباره‌ی تلمیح و شیوه و اهداف کاربرد آن در اشعار شاعران تا قرن ششم و هم‌چنین خاقانی بررسی کرده، سپس داستان‌های پیامبران را از منابع مختلف مطالعه و براساس شعر خاقانی از آن‌ها استفاده کرده است. در انتخاب این منابع سعی شده از منابع قبل از قرن ششم استفاده شود؛ دلیل این انتخاب این بوده که این تفاسیر و قصص به سبب شهرت و اقبال عمومی در زمان خود، احتمالاً مورد مطالعه‌ی خاقانی قرار گرفته و شاعر اطلاعات برگرفته از آن‌ها را در اشعار خود انعکاس داده است. در نقل داستان‌ها از تفاسیر: طبری، قصص قرآن مجید سورآبادی یا عتیق‌نیشابوری، قصص الانبیای نیشابوری، کشف‌الاسرار میبیدی، تفسیر ابوالفتح رازی و هم‌چنین تفسیر پنج‌جلدی سورآبادی استفاده شده است؛ البته در بخش عیسی (ع) و محمد (ص) منابع دیگری نیز به کار گرفته شده است.

محقق در فصل چهارم، اسامی پیامبران را به شیوه‌ی الفبایی آورده است. در این فصل، نخست ویژگی زندگی پیامبران متناسب با شعر خاقانی ذکر، آن‌گاه شواهد شعری از قصاید خاقانی ارائه شده است. درباره‌ی شواهد شعری ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که، گاهی یک بیت به یک یا دو داستان مختلف از زندگی یک پیامبر و یا چند پیامبر اشاره دارد، که در مباحث موردنظر آمده است. در پایان هر بخش نیز، جدولی از میزان کاربرد شیوه‌های بیانی و بدیعی آورده شده است.

در پایان لازم به یادآوری است که در ارجاع آیات قرآن مجید عدد سمت چپ، شماره‌ی آیه و در ذکر شواهد شعری از قصاید خاقانی، عدد سمت راست، شماره‌ی صفحه و عدد سمت چپ، شماره‌ی بیت است. در جدول فهرست نام پیامبران در قرآن، از کتاب المعجم‌الاحصائی محمود روحانی استفاده شده است.